

واکاوی ارکان و شاخص های آموزه امامت در روایات رضوی

مهیار خانی مقدم^۱ - عبدالرضا زاهدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۱۰

چکیده

مسئله این پژوهش، واکاوی ارکان و شاخص های آموزه امامت در روایات رضوی و هدف از آن، ارائه چارچوب مناسبی برای تبیین آموزه امامت است تا بر اساس آن، مخاطبان به نگرشی جامع و روشن تر دست یابند. بدین منظور، با روش توصیفی-تحلیلی، در قالب برجسته ترین دغدغه های فکری انسان شامل حکیمانه بودن خلقت، بهره مندی از راهنمایان حقیقی و مرجع کسب رضایت پایدار و تأمل در سه سؤال بنیادین درباره آموزه امامت شامل حکمت، ویژگی های برجسته و لوازم تحقق کامل آثار وجودی آن، به تحلیل روایات مربوطه پرداخته شده است. می توان بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، چارچوبی شامل سه رکن حکمت، هدایت و رضایت الهی و هفت شاخص متناظر به آن ها شامل «ضرورت تکمیل آخرین دین الهی»، «انحصار امامت در اهل بیت پیامبر و نفی خلافت»، «هدایت جامع نگر»، «مهم ترین ویژگی های مادی و معنوی امام»، «معرفت به امام»، «محبت به امام» و «تبعیت از امام» ارائه کرد.

واژه های کلیدی:

امام، ارکان امامت، شاخص های امامت، امام رضا(ع)؛

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم (نویسنده مسئول): andqurani.qom@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره): doctor_zahedi@yahoo.com

مقدمه

انسان بر اساس کشش درونی، به دنبال یافتن مسیری صحیح برای نظام‌بخشی به زندگی خویش است و این اهتمام با شدت و ضعف‌هایی در میان نوع انسان در هر زمان، هر مکان و هر نژادی جریان داشته و خواهد داشت. آن چه در این مسیر اهمیت بنیادین دارد، مبنایی است که به عنوان خاستگاه باورها، ارزش‌ها و عملکردهای انسان، انتخاب شده و مسیر زندگی وی را سامان می‌بخشد. تأملی در آموزه‌های و حیانی این نکته را به دست می‌دهد که به رغم آن که خداوند متعال، ابزارهای گوناگون شناخت شامل حس، خیال، وهم، عقل و قلب (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶: ۵۹-۶۰) را در اختیار انسان قرار داده است اما فهم و درک برخی از معرفت‌ها برای انسان، امکان‌پذیر نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۵) و انسان در این زمینه به وحی الهی نیازمند است و آن چه را از طریق وحی به دست می‌آورد نمی‌تواند از مسیر دیگری به دست آورد (البقره، ۱۵۱). از این رو، تنها مبنای مطمئن برای ساماندهی بینش، گرایش و کنش انسان، آموزه‌های الهی است که در قالب قرآن و سیره پیامبر و اهل بیت ایشان به بشریت عرضه شده است.

از جمله مسائل اساسی که زندگی هر انسانی بر مبنای آن شکل می‌گیرد، انتخاب امام و راهنما در جنبه‌های مختلف زندگی است. در این زمینه، معارف و حیانی اسلام آموزه‌های ارزشمندی ارائه کرده که در منابع اسلامی، تراث حدیثی رضوی تبیین جامعی درباره آموزه امامت شده و از مجموع ۲۲۹۰ مضمون روایتی که از امام رضا^(ع) درباره آموزه‌های اعتقادی شامل خداباوری، راهنماشناسی و آخرت‌باوری در منابع ذکر شده، ۱۴۵۹ مضمون روایت درباره

شناخت امامان و آشنایی با زندگی آنان است (قطبی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۵). پژوهش حاضر درصدد بررسی این پرسش است که با توجه به تراش غنی رضوی درباره آموزه امامت، چه ارکان و شاخص‌های برجسته‌ای را می‌توان برای آموزه مذکور متصور شد تا بر اساس آن‌ها، تبیین آموزه مذکور با کیفیت روشن‌تری صورت گیرد؟ شایان ذکر است بر اساس معنای لغوی واژگان «ارکان» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۵) و «شاخصه» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۱۶۵) با تاکید بر معنای ریشه‌ای آن‌ها در لغت عرب مراد از ارکان، «پایه‌ها و ستون‌های استوار و بنیادین» و منظور از شاخصه‌ها، «ویژگی‌ها و خصوصیات متمایز» خواهد بود. درباره آموزه امامت در احادیث رضوی تحقیقاتی شده است؛ به عنوان نمونه، حامد پوررستمی در مقاله خود با عنوان «تحلیل راهبردی از امامت در دکترین امام رضا^(ع)» تصریح دارد که بر اساس کلام رضوی، راهبرد امامت را باید الگوی بی‌بدیلی در نظام مدیریتی و سیاسی دنیا دانست که با هنر هماهنگی میان خرده سامانه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قادر است راه سعادت و کمال فردی و اجتماعی را فراروی بشریت قرار دهد (پوررستمی، ۱۳۸۹: ۲۷-۵۴). محمد علی رضایی اصفهانی نیز در مقاله «امامت عامه و خاصه در احادیث امام رضا^(ع)» در ذیل عناوینی چون «ضرورت و لزوم پیشوای معصوم برای مردم»، «جایگاه امامت در جهان‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام»، «شیوه شناخت و تعیین امام معصوم»، «ویژگی‌های پیشوای امت»، «امامت خاصه» و «جدایی از امامت و پیامدهای آن» به ذکر احادیثی از امام رضا^(ع) پرداخته است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۵۵-۸۶).

تفاوت پژوهش حاضر با آثار پیشین در اهتمام به تتبع جامع‌تر در روایات

مربوطه - هر چند الزام به رعایت حجم، امکان ارائه روایات متعدد را سلب می‌کند - و نظم منطقی و نوین آن در ساماندهی مباحث است و وجه اهتمام نگارنده بر آن بوده تا به مقتضای شبهاتی که درباره چرایی و چیستی آموزه امامت و چگونگی اثربخشی آن مطرح می‌شود (به عنوان نمونه نک: رضوانی، ۱۳۸۶؛ ۱۱۰-۱۳۴، ۱۱۲-۱۳۹، ۱۵۵-۱۶۱؛ کاشفی، شاکرین، قم، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۷۹)، نظامی کلی شامل بر ارکان و شاخص‌هایی برجسته را ارائه کند تا در مقام تبیین آموزه امامت، مؤلفه‌های مبنایی را در عین اختصار به دست دهد. همچنین اهتمام بر آن بوده تا مطالب، متناظر با برجسته‌ترین دغدغه‌های فراوری انسان^۱ سامان یابد که به نظر می‌رسد علاوه بر اهتمام انسان به انتخاب راهنمایی حقیقی که او را به آرامش حقیقی رهنمون سازد، وجود راهنمایان حقیقی مورد تاکید خداوند است. به عنوان نمونه نک: السجده، ۲۴)، بخش دیگری از دغدغه‌های وی، درباره حکیمانه بودن زندگی و خلقت (نک: الانبیاء، ۱۶-۱۷) و بخش دیگری نیز، معطوف به تعیین ملاک برای کسب رضایت است (نک: البینه، ۷-۸)؛ بدین معنا که رضایت چگونه مرجعی معیار محسوب می‌شود و در راستای آن، می‌بایست به چه لوازمی پایبند بود؟

ابتدا ارکان و سپس شاخص‌های آموزه امامت در احادیث رضوی بررسی خواهد شد.

۱- ارکان آموزه امامت در کلام رضوی

به نظر می‌رسد می‌توان با تتبعی در روایات امام رضا^(ع)، اهتمام آن حضرت به تبیین آموزه امامت را در قالب پاسخ‌گویی به سه پرسش اساسی دسته‌بندی کرد: حکمت و آثار وجودی امام چیست؟ ویژگی‌ها و شاخص‌های برجسته

۱. علت انتخاب موارد پیش رو، تأمل در آموزه‌های قرآنی و همچنین برداشت نگارنده از نیازهای برجسته و گسترده انسان معاصر است که از مسیرهایی چون رصد فضای مجازی، آشنایی حضوری با اندیشه‌های اندیشمندان غربی و شرقی در همایش‌های بین‌المللی (دکترین مهدویت و اخلاق و دین) و استماع گزارش طلاب با سابقه تبلیغ در سطح بین‌الملل به دست آمد.

امام چیست؟ لوازم تحقق کامل آثار وجودی امام چیست؟ با عنایت بر مواردی که پیش از این بیان شد، ارکان آموزه امامت در احادیث امام رضا^(ع) بدین شرح است:

۱-۱- حکمت الهی

منظور از حکمت الهی آن است که هم معرفت او به اشیاء، کامل‌ترین معارف است و هم افعال او در نهایت استحکام و اتقان (نک: النمل، ۸۸) و مطابق با مصالح کل هستی و خلقت است (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۹۶). بدین‌رو، جهان‌داری خداوندی یکتا (الانبیاء، ۲۲)، مالک (آل عمران، ۲۶) و مدبر (یونس، ۳) است و هر انسان خردمندی که در هستی و هماهنگی موجود در آن تأمل کند، بر وجود خالق حکیم اقرار خواهد کرد (آل عمران، ۱۹۱). خداوند متعال در ۹۷ آیه از قرآن (نک: سوره البقره، آیه ۲۰۹؛ سوره آل عمران، ۶؛ سوره التغابن، ۱۸) خود را به حکیم بودن متصف کرده (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۶۴) و در سیره اهل بیت نیز بر حکیم بودن خداوند متعال تأکید فراوانی شده است؛ امام رضا^(ع) در این زمینه فرموده است:

«سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَأَتَقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ وَوَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ بَعْلَمِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۱۸) «پاک و منزّه است خدایی که مخلوقات را با قدرتش خلق کرد و آن چه را که آفرید با حکمتش استوار گردانید و هر چیزی را با علم خود در جایگاه مناسب اش قرار داد.»

پس از یقین به وجود خداوندی مدبر و حکیم، بیهوده بودن خلقت هستی نیز بی‌معناست (المؤمنون، ۱۱۵) و جهان‌هستی دارای اهداف مشخص و ماندگاری خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۷۳) که والاترین هدف

خلقت انسان، عبودیت است (الذاریات، ۵۶) که خداوند برای وصول به آن، میدان آزمایشی (الملک، ۲) فراهم ساخته و علم و آگاهی (الطلاق، ۱۲) به انسان داده که نتیجه نهایی آن نیز غرق شدن در رحمت سرشار (هود، ۱۱۹) اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۳۸۶-۳۸۸).

حکمت الهی اقتضاد دارد تا برای تحقق هدف خلقت، انسان‌ها با هدف مذکور و چگونگی دستیابی به آن آشنا شوند که این مهم از طریق بعثت انبیای الهی محقق شده است (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۴۸). بدیهی است که پس از پیامبر اسلام به عنوان آخرین پیامبر الهی (الاحزاب، ۴۰) لازم است جریان مذکور ادامه داشته باشد و همان دلیلی که موجب بعثت انبیا شد، موجب نصب امام بعد از پیامبر می شود (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶؛ آل یاسین، ۱۴۱۳ق: ۲۷۷). بدین رو، وجود امام، لازم و انتخاب آن بر خداوند واجب است (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۶۲) و بر اساس روایت رضوی بدون وجود حجت الهی، ارکان هستی نابود خواهد شد (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۰۴).

علاوه بر دلایل نقلی (آیات و روایات)، برهان‌های عقلی متعددی مانند «امتناع تسلسل» (نک: علم الهدی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۳۲۴)، «پیشوایی امام» (نک: مفید، ۱۴۱۳ق: ۷۴)، «رویگردانی مردم از گناهکار» (نک: طوسی، ۱۴۱۴: ۹۸)، «جانشینی پیامبر» (نک: حلی، ۱۳۶۳: ۲۰۲)، «عدل خداوند» (نک: حلبی، ۱۴۰۴ق: ۱۵۰) و «حفظ شریعت» بر وجوب جریان امامت و لزوم عصمت امام تأکید دارد که بررسی همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد و تنها به برهان «حفظ شریعت» اشاره می‌شود: از آنجا که اسلام، آخرین شریعت الهی و ابدی است (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۳۳)، لازم است هرکسی که تا

قیامت پا به عرصه جهان می‌گذارد با معارف و احکام آن آشنا شود. پس لازم است تا این شریعت، حافظی داشته باشد و چنان چه این حافظ، معصوم نباشد، هیچ تضمینی برای ایجاد نکردن تغییری در دین، وجود نخواهد داشت (علم الهدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۷۹). حفظ شریعت یا توسط مردم و یا امام صورت می‌پذیرد و از آن جا که بر اساس قرآن و روایات نبوی، امکان اشتباه و خطا در امت وجود دارد، پس لازم است تا امام به عنوان حافظ شریعت از هر گونه گناه و اشتباه مصون باشد (حلی، ۱۳۶۳: ۲۰۵).

۲-۱- هدایت الهی

حکمت الهی اقتضا دارد تا همواره حجتی الهی در جهان هستی وجود داشته باشد؛ بر این اساس، بنیان هستی بر نظام هدایت قرار دارد (طه، ۵۰) و خداوند از یک سو، انسان را از طریق هدایت تکوینی هدایت فرموده و فطرت انسان را بر اساس توحیدگرایی سامان داده است (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۳۶). از سوی دیگر نیز از طریق هدایت تشریعی (الحدید، ۲۵)، با برانگیختن انبیای الهی که به عنوان سنتی الهی در میان تمامی بشر جریان داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۲۴۲) و فرستادن کتب آسمانی که محتوای آن‌ها با گذشت زمان و تکامل انسان‌ها کامل تر شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۳۷۱) نظام هدایت خویش را برای انسان سامان داده است.

خداوند به حضرت محمد سستور داد (المائده، ۶۷) تا در آخرین روزهای زندگی خود، جانشین خویش را معرفی کند تا نظام هدایت حتی پس از فوت پیامبر و انقطاع وحی الهی، استمرار یابد و تاکید فرمود که پیامبر در صورت ابلاغ نکردن این پیام مهم الهی، امامت حضرت علی^(ع) رسالت خویش را به اتمام

نرسانده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۴۹). پیامبر اسلام نیز این امر الهی را اجرا کرد که این مهم به عنوان واقعه غدیر خم و از طریق راویان متعددی ثبت شده است (امینی، ۱۳۹۷ق: ۷۳-۱۴۷).

امام رضا^(ع) در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (النساء، ۵۹) و در پاسخ به فضل بن شاذان که از علت قرار دادن «اولی الامر» و «امر به اطاعت از ایشان» پرسید، فرمود:

«أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قِيمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا لِدَرَسَتِ الْمَلَّةُ وَ ذَهَبَ الدِّينَ وَ غَيَّرَتِ السُّنَّةُ وَ الْأَحْكَامُ وَ لَزَادَ فِيهِ الْمُبْتَدِعُونَ وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُلْحِدُونَ وَ شَبَّهُوا عَلَى الْمُسْلِمِينَ لِأَنَّا قَدْ وَجَدْنَا الْخُلُقَ مَنْقُوصِينَ مُحْتَاجِينَ غَيْرَ كَامِلِينَ مَعَ اخْتِلَافِهِمْ وَ اخْتِلَافِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَّتْ انْحَائِهِمْ، فَلَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ قِيمًا حَافِظًا لَمَا جَاءَ بِهِ الرَّسُولُ لَفَسَدُوا عَلَى نَحْوِ مَا بَيْنَا وَ غَيَّرَتِ الشَّرَائِعُ وَ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ وَ الْإِيمَانُ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ فِسَادُ الْخُلُقِ أَجْمَعِينَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۰۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴۹۸). اگر خداوند برای مردم، امامی قائم که مورد اطمینان و حافظ و ملجأ (دین الهی) باشد، قرار ندهد، آیین اسلام نابود می شود و دین از بین می رود و سنت و احکام الهی تغییر می کند و بدعت گزاران در آن (دین الهی) می افزایند و ملحدان از آن می کاهند و آن را بر مسلمانان مشتبه می سازند. همانا ما دیده ایم که مردم در فهم حقیقت، مستضعف و کوتاه فکرنند و کامل نیستند؛ علاوه بر آن، دچار اختلاف در فهم و خواسته های نفسانی و آرای گوناگون هستند که اگر خداوند برای آن ها سرپرستی که از آیینی که رسول خدا از جانب او آورده، محافظت کند قرار ندهد، همگی به همان نحوی که توضیح دادیم تباه خواهند شد و شرایع، احکام و سنت ها و اساس دین و ایمان، همه تغییر

پیدا خواهد کرد و سرانجام به نابودی تمامی خلق می‌انجامد.»

آن حضرت بر این نکته تأکید دارند که با نور هدایت امام است که جهان هستی در مسیر رضایت الهی هدایت خواهد شد و از گمراهی و تحیر، مصون خواهد ماند:

«الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ وَهِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارُ الْإِمَامُ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَالسَّرَاجُ الزَّاهِرُ وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَالنَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابَاتِ الدُّجَى وَأَجَوَازِ الْبُلْدَانِ وَالْقَفَارِ وَلُجَجِ الْبِحَارِ الْإِمَامُ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمَا وَالْدَّلَالُ عَلَى الْهُدَى وَالْمُنْجِي مِنَ الرَّدَى» (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۱: ۲۰۰) «امام همچون خورشید درخشان است که با نورش، هستی را نورافشان می‌کند و دور از دسترس دست‌ها و چشم‌ها در افق قرار دارد؛ امام، ماه نورانی، چراغ درخشان، نور ساطع و ستاره راهنما در دل تاریکی‌ها و صحرای خشک و بی‌آب و علف و موج‌های وحشتناک دریاها است. امام همچون آب گوارا بر تشنگان و راهنمای هدایت و نجات دهنده از هلاکت است.»

برای تحقق هدایت الهی توسط امام و تأمین هدف خلقت، می‌بایست جریان امامت و شخص امام دارای ویژگی‌های مشخصی باشد که این مهم، جز از طریق هدایت الهی معین و شناخته نمی‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۳- رضایت الهی

بر مبنای معارفی که ارائه شد، بدون شک معیار کسب رضایت، تبعیت از اوامر و نواهی الهی است و تحقق رضوان الهی، بالاتر و بالاتر از تمام نعمت‌های اخروی خواهد بود (توبه، ۷۲). امام نیز بر اساس مشروعیت الهی که دارد، مورد عنایت خداوند است و تنها مسیر صحیح دستیابی به رضایت کامل الهی، عنایت

بر جایگاه و کارکرد امامت خواهد بود. آن چه اهمیت دارد توجه مردم به این موضوع و آشنایی ایشان با وظایف خود در برابر امام است که به هدایت تام بشریت می‌انجامد.

به فرموده امام رضا^(ع) امام هیچ گاه از احوال بندگان خداوند غافل نیست (نک: صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۲۹). دستور خداوند به تبعیت از امامان و اهتمام امامان نسبت به انسان‌ها، بیانگر لزوم ایجاد یک رابطه دوطرفه میان امام و امت است. به بیان دیگر، همان گونه که امام به امت اهتمام دارد، لازم است که امت نیز به امام و اوامر ایشان اهتمام داشته باشد و رضایت الهی تنها از طریق مذکور محقق می‌شود. به منظور کسب رضایت الهی و ادای صحیح وظایف در برابر امام، اهتمام به سه شاخص برجسته ضروری است که در ادامه بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۲- شاخص‌های آموزه امامت در کلام رضوی

آن چه در این بخش مورد اهتمام است، ویژگی‌هایی است که آموزه امامت را متمایز از سایر موارد مشابه درباره رهبری، هدایت و حکومت بر مردم می‌کند و مبنای به دست آوردن شاخص‌ها نیز، تأمل در ارکانی است که پیشتر تبیین شد. بر این اساس، می‌توان در مبحث «حکمت الهی» شاخص «ضرورت تکمیل آخرین دین الهی»، در مبحث «هدایت الهی» شاخص‌های «انحصار امامت در اهل بیت پیامبر و نفی خلافت»، «هدایت جامع نگر»، «مهم‌ترین ویژگی‌های مادی و معنوی امام» و در مبحث «رضایت الهی» نیز شاخص‌های «معرفت به امام»، «محبت به امام» و «تبعیت از امام» را بررسی کرد.

۲-۱- ضرورت تکمیل آخرین دین الهی

امام رضا^(ع) در سخنان خود، ضرورت وجود امام را بر اساس حکمت الهی تبیین فرموده است. ایشان ضمن آن که افرادی را که می‌پندارند که خداوند نسبت به تکمیل دین خود اقدامی نکرده، کافر معرفی کرده است، ذیل آیه «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (المائدة، ۳)، لزوم وجود جریان امامت را تکمیل‌کننده دین مبین اسلام دانسته‌اند:

«وَأَمْرُ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ فَلَمْ يَمْضِ حَتَّى يَبَيِّنَ لَأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَأَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَتَرَكَّهُمْ عَلَى قَصْدِ سَبِيلِ الْحَقِّ وَأَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عِلْمًا وَإِمَامًا وَمَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْنَهُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۶۱) «امر امامت موجب اتمام (نعمت و اکمال) دین است و پیامبر گرامی اسلام از دنیا رحلت فرمود مگر آن که معالم دین و راه‌های رسیدن به حق (و رضایت الهی) را برای امت اسلامی تبیین فرمود و حضرت علی^(ع) را به عنوان امام ایشان قرار داد و هر آن چه را امت به آن نیاز داشت تبیین فرمود.»

بنابر حکمت الهی لازم است اسلام توسط جانشینانی که توسط خداوند برای پیامبر^(ص) معین شده، رهبری شود تا از هرگونه انحراف در دین الهی که موجب انحراف انسان‌ها از مسیر تحقق هدف خلقت می‌شود، ممانعت به عمل آید.

۲-۲- انحصار امامت در اهل بیت پیامبر و نفی خلافت

به فرمایش آن حضرت، خداوند بر اساس مصالح کلی عالم هستی به انتخاب و هدایت امامان پرداخته و جریان امامت را در ذریه پیامبر اسلام قرار داده است؛ امام رضا^(ع) ذیل آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» (النساء، ۵۸) فرموده است:

«هُمُ الْأَئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ يُؤَدِّيَ الْإِمَامُ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ بَعْدَهُ وَلَا يُخْصُ بِهَا غَيْرُهُ وَلَا يَزُوِيهَا عَنْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۷۶) «(منظور از اهل) امامان از خاندان حضرت محمد هستند و هر امام، امانت الهی را که بر عهده دارد به امام بعد از خود تحویل می دهد و این امانت الهی نه به اشخاص دیگری اختصاص داده می شود و نه از خاندان حضرت محمد^(ص) جدا می گردد.»

حضرت این امر را یکی از تفضلهای خداوند بر حضرت ابراهیم^(ع) دانسته و فرموده است:

«فَلَمْ تَزَلْ فِي ذُرِّيَّتِهِ يَرِثُهَا بَعْضُ عَنْ بَعْضٍ قَرْنًا قَرْنًا حَتَّى وَرَثَتِهَا النَّبِيُّ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۶۸) فَكَانَتْ لَهُ خَاصَّةٌ فَقَلَّدَهَا عَلِيًّا بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ عَلَى رَسْمِ مَا فَرَضَهُ اللَّهُ فَصَارَتْ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْأَصْفِيَاءُ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۹۹) «امامت به همین ترتیب در نسل او حضرت ابراهیم^(ع) باقی بود و یکی بعد از دیگری و نسل به نسل، آن را به ارث می بردند تا این که پیامبر اسلام^(ص) وارث آن شد. خداوند می فرماید: «سزاوارترین و شایسته ترین مردم در انتساب به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کردند و این پیامبر و نیز کسانی که ایمان آوردند (از آن دسته اند) و خداوند ولی مؤمنان است.» و این امامت، خاص حضرت رسول بود که به امر خدا به همان گونه که خداوند واجب فرموده بود بر عهده علی^(ع) و سپس در آن دسته از نسل حضرت علی^(ع) که برگزیده بودند و خداوند، علم و ایمان به ایشان داده است، قرار گرفت.» امام رضا^(ع) ضمن تأکید بر آن که انتخاب امام، بر اساس تفضل و حکمت و هدایت الهی صورت می گیرد و تنها در اختیار خداوند است و مردم هرگز توان

انتخاب چنین امامی را ندارند، بر انتخاب امام از خاندان پیامبر اکرم (ص) تأکید فرموده است:

«فَكَيْفَ لَهُمْ بِاخْتِيَارِ الْإِمَامِ وَالْإِمَامُ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ وَرَاعٍ لَا يَنْكُلُ ... مَخْصُوصٌ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ وَنَسْلِ الْمُطَهَّرَةِ الْبَتُولِ لَا مَغْمَزَ فِيهِ فِي نَسَبٍ وَلَا يَدَانِيهِ ذُو حَسَبٍ فِي الْبَيْتِ مِنْ قُرَيْشٍ وَالدَّرْوَةِ مِنْ هَاشِمٍ وَالْعِتْرَةِ مِنَ الرَّسُولِ وَالرِّضَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ شَرَفُ الْأَشْرَافِ وَالْفَرَعُ عَنْ عَبْدِ مَنْفٍ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۲۲) «چگونه مردم توانایی دارند برای خود امام اختیار کنند در حالی که امام، عالمی است که هرگز جهلی نخواهد داشت و مراعات‌کننده‌ای است که ضعف در او نخواهد بود. امام، به این که پیامبر او را به امامت خوانده، متمایز شده است، امام از نسل مطهر حضرت فاطمه زهرا (س) است؛ امام باید عیبی در نسب او نباشد و هیچ صاحب حسبی او را پست و خوار نکند، امام باید از خانواده قریش باشد و جد او به هاشم برسد و از آل رسول و عترت آن بزرگوار باشد و به رضای خداوند متعال راضی باشد که رضای او از آن چه درباره آن تصور شود، دارای ارج و شرف افزون‌تری است و باید از شاخه‌های (ذریه) عبد مناف باشد.»

آن حضرت در مقابله با انگاره خلافت که به عنوان بدیل تقلبی امامت توسط برخی از اصحاب رسول اکرم در سقیفه (نک: یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۲۳) پایه‌گذاری و توسط حاکمان اموی و عباسی پیگیری شد به طور ضمنی به رد این مسئله پرداخته و ضمن تأکید مجدد بر حق الهی اهل بیت پیامبر (ع) در امامت و رهبری امت اسلامی و جهان هستی، مقام امامت را رفیع‌تر از آن دانسته‌اند که اشخاص ظالم داعیه‌دار آن گردند:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ خَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ بَعْدَ النَّبُوَّةِ وَالْحُلَّةِ مَرْتَبَةً ثَالِثَةً

و فَضِيلَةً شَرَفَهُ بِهَا وَ أَشَادَ بِهَا ذِكْرَهُ فَقَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا (البقره، ۱۲۴)
 فَقَالَ الْخَلِيلُ سُورًا بِهَا وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)
 فَأَبْطَلْتَ هَذِهِ الْآيَةَ إِمَامَةً كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۹۹)
 «امامت چیزی است که خداوند بعد از نبوت و مقام خلیل الهی، در مقام سوم
 به ابراهیم خلیل (اختصاص داده و به آن فضیلت مشرف فرمود و نام او را بلند
 آوازه کرد، خداوند می‌فرماید: «ای ابراهیم!) تو را برای مردم، امام برگزیدم.» و
 ابراهیم^(ع) از خوشحالی گفت: «آیا از فرزندان و نسل من هم امام برگزیده‌ای؟»
 خداوند فرمود: «عهد من به ظالمین نمی‌رسد.» و این آیه، امامت هر ظالمی را تا
 روز قیامت ابطال می‌کند.»

بدین رو، هر کس که به باطل ادعای امامت کند یا امامت را در غیر اهل آن
 قرار دهد، ظالم و ملعون است (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۱۲۸).

۲-۳- هدایت جامع‌نگر

بر اساس روایات رضوی، هدایتی که امام به ارمغان می‌آورد در تمامی ابعاد
 دین اسلام از جمله عقاید، احکام و اخلاق (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲،
 ج ۲: ۱۲۱) و ابعاد زمانی زیست انسان (دنیوی و اخروی)، نمود بارزی دارد.

۲-۳-۱- نقش امام در ابعاد دینی

به اختصار به نقش امام در جنبه‌های اعتقادی، احکام و اخلاق از منظر امام
 رضا^(ع) اشاره می‌شود.

۲-۳-۱-۱- عقاید: امام رضا^(ع)، امامان را حجت و خلیفه الهی و عهده‌دار
 حفظ حدود الهی معرفی فرموده‌اند:

«إِلِمَامٌ أَمِينٌ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ

الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَالذَّابُّ عَنْ حَرِيمِ اللَّهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۹) «امام، امین خدا در زمین و حجت او بر بندگان است و او خلیفه خدا در زمین اوست و دعوت‌کننده مردم به سوی خدا و مدافع حدود الهی است.»
و وظیفه اصلی آن‌ها را این چنین بر شمرده‌اند: «وَيَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَيُذِبُ عَنْ دِينِ اللَّهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۸) «و (امام) حدود الهی را برپا می‌دارد و از دین خدا پاسداری می‌کند.»

نمود بارز اهتمام امام در حفظ چارچوبه اعتقادی دین الهی است و معارف فراوانی که از اهل بیت درباره اصول اعتقادی نقل شده، گواه این مدعاست (به عنوان نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۷۲-۱۶۷).

۲-۱-۳-۲- احکام: بر اساس فرمایش حضرت، احکام الهی به وسیله امام محقق می‌شود:

«الْإِمَامُ يَحْلُلُ حَلَالَ اللَّهِ وَيَحَرِّمُ حَرَامَهُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۸)
«امام، حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌کند.»

دستورات الهی در قالب احکام و مقررات شرعی اعم از عبادات و معاملات و جز آن است (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۹۵) و بر بشر عرضه شده است که به دلیل معرفت معصومانه و خطاناپذیر امام در تشخیص صحیح احکام، اجرای احکام و اوامر و نواهی الهی به صورت کامل توسط امام محقق می‌شود.

۲-۱-۳-۳- اخلاق: در بخش اخلاقی نیز امام رضا^(ع)، امام را یک الگوی کامل دانسته‌اند:

«الْإِمَامُ... مَعْدَنُ الْقُدْسِ وَالطَّهَارَةِ وَالنُّسْكِ وَالزَّهَادَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۲۲) «امام معدن قدس، طهارت، اعمال حسنه،

زهد، علم و عبادت است.»

رویکرد اخلاقی امام در دعوت و هدایت به دین الهی نیز مشهود است: «وَدَعُوْا اِلَى سَبِيْلِ اللّٰهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۳۸) «و (امام) با حکمت و پنددهی نیکو و دلیل قاطع، مردم را به صراط مستقیم الهی رهنمون می‌گردد.»

در واقع امام به هیچ عنوان از ابزارهای غیر اخلاقی مانند تهدید و اجبار برای هدایت انسان‌ها استفاده نمی‌کند و با توجه به قید «سبیل الله» در حدیث، هرگز به دنبال دعوت مردم به سوی خود و در نتیجه، ریاست طلبی نیست.

۲-۳-۲- نقش امام در ابعاد زمانی زیست انسانی

به اختصار به نقش امام در ابعاد زمانی زیست انسان (دنیوی و اخروی) از منظر امام رضا^(ع) اشاره می‌شود:

۲-۳-۱- بعد دنیوی: در روایات رضوی، نقش امامان تنها به جنبه‌های معنوی و اخروی محدود نشده، بلکه از حکومت بر انسان‌ها نیز به عنوان یکی از وظایف امامان یاد شده است:

«عَالَمٌ بِالسِّيَاسَةِ مُسْتَحَقٌّ لِلرَّئَاسَةِ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۴۱) «امام، عالم به سیاست، مستحق برای ریاست بر مردم و واجب‌الاطاعت و اهتمام او در برپاداشتن امر الهی است.»

بر اساس حدیث مذکور، امام، کسی است که عالم به سیاست و مدیریت جامعه است و از این لحاظ، اندکی جهل و نقص در برنامه‌ریزی‌های او راه ندارد. از حیث حقوقی نیز امام مستحق این امر است؛ یعنی امامت و رهبری او، حقی اعطایی از جانب خداوند عالم به اوست. بر این اساس، از نظر عقلی و شرعی،

اطاعت از او شرعی و لازم است (پوررستمی، ۱۳۸۹: ۴۰). هدف امام از حکومت بر مردم نیز برپاداشتن اوامر الهی است که در قالب دین الهی بر مردم عرضه شده است.

می‌توان مهم‌ترین نتیجه حکومت امام بر مردم از منظر امام رضا^(ع) را چنین دانست:

۱- اجرای صحیح احکام الهی: «بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ وَتَوْفِيرُ الْفَيِّءِ وَالصَّدَقَاتِ وَإِمْضَاءُ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَمَنْعُ الثُّغُورِ وَالْأَطْرَافِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۸) «به واسطه امام است که نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، تقسیم فیء و صدقات، حدود و احکام اسلامی و مراقبت از مرزهای اسلام به طور کامل اجرایی خواهد شد.»

۲- نظام یافتن مسلمانان: «إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۷۷) «امامت، زمام دین و موجب نظام یافتن مسلمانان است.»

۳- تجلی عزت مسلمانان: «وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ» (پیشین) «و به صلاح دنیای آن‌ها و موجب عزت مؤمنان است.»

۴- آشکار شدن خشم منافقان: «... وَغَيْظُ الْمُنَافِقِينَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۷۸) «(امام) موجب خشم منافقان می‌گردد.»

۵- نابودی کافران: «... وَبَوَارُ الْكَافِرِينَ» (پیشین) «... (امام) موجب نابودی کافران است.»

۲-۲-۳- بعد از خرویش بر اساس فرمایش امام رضا^(ع) علاوه بر حفظ دین الهی توسط امام که موجبات سعادت اخروی انسان‌ها را فراهم می‌آورد، انسان‌ها

از شفاعت امام با تحقق شرایط لازم (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۶۶) نیز در روز قیامت بهره‌مند خواهند شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۴). بر اساس آیات قرآن کریم، شفاعت با رخصت الهی (البقره، ۲۵۵) و درباره کسانی که مورد رضایت الهی باشند، انجام می‌شود (الانبیاء، ۲۸). شفاعت امام در روز قیامت، بدین معناست که کسانی که در دنیا پیرو امام هستند، در قیامت از دوزخ نجات می‌یابند و به بهشت راه می‌یابند و اگر در این راه، گرفتار لغزش و خطا شده باشند، با کمک امام نجات می‌یابند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۶۱).

۲-۴- مهم‌ترین ویژگی‌های مادی و معنوی امام

حضرت در روایتی، ویژگی‌های متمایز مادی و معنوی را که لازم است امام به آن‌ها آراسته باشد، بر شمرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۰۲) که می‌توان آن‌ها را در چهار بخش دسته‌بندی کرد:

۲-۴-۱- ویژگی‌های ممتاز جسمی امام

۱. مختون و مطهر بودن در زمان ولادت (يُولَدُ مَخْتُونًا وَ يَكُونُ مُطَهَّرًا)
۲. فاقد سایه بودن (لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ)
۳. عدم احتلام (لَا يَحْتَلِمُ)
۴. عدم مشاهده مواد دفعی ایشان (لَا يَرَى لَهُ بَوْلٌ وَلَا غَائِطٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ وَكَّلَ الْأَرْضَ بِابْتِلَاعِ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ)
۵. عطر و بوی بسیار دلنشین (يَكُونُ لَهُ رَائِحَةٌ أَطْيَبُ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ)

۲-۴-۲- لوازم در اختیار امام

۶. زره پیامبر ((يَسْتَوِي عَلَيْهِ دَرْعُ رَسُولِ اللَّهِ))
۷. سلاح پیامبر ((يَكُونُ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ))

۸. شمشیر ذوالفقار (سَیْفُهُ ذُو الْفَقَّارِ)

۹. صحیفه شامل بر اسامی شیعیان (يَكُونُ عِنْدَهُ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ شِيعَتِهِ

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)

۱۰. صحیفه مشتمل بر اسامی دشمنان (صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ)

۱۱. جامعه (يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَامِعَةُ وَهِيَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِيهَا

جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَلَدُ آدَمَ)

۱۲. جعفر بزرگ و کوچک (يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَعْفَرُ الْأَكْبَرُ وَالْأَصْغَرُ إِهَابُ مَا عَزَّ وَ

إِهَابُ كَبْشٍ فِيهِمَا جَمِيعُ الْعُلُومِ حَتَّى أَرْضِ الْخَدَشِ وَحَتَّى الْجِلْدَةِ وَنِصْفِ الْجِلْدَةِ
وَتُلْتِ الْجِلْدَةِ)

۱۳. مصحف حضرت فاطمه (يَكُونُ عِنْدَهُ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ)

۲-۴-۳- ویژگی‌های ممتاز اخلاقی و رفتاری امام

۱۴. سرآمدی در حلم (أَحْلَمُ النَّاسِ)

۱۵. سرآمدی در پرهیزکاری (أَتْقَى النَّاسِ)

۱۶. سرآمدی در شجاعت (أَشْجَعُ النَّاسِ)

۱۷. سرآمدی در بخشنده‌گی (أَسْخَى النَّاسِ)

۱۸. سرآمدی در عبادت (أَعْبُدُ النَّاسِ)

۱۹. دلسوزی و دغدغه‌مندی برای هدایت مردم (يَكُونُ أَوْلَى النَّاسِ مِنْهُمْ

بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ)

۲۰. سرآمدی در تواضع در برابر خداوند (يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ

عَزَّوَجَلَّ)

۲۱. اهتمام جدی به اوامر و نواهی الهی (يَكُونُ آخِذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُهُمْ بِهِ وَ أَكْفَ النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى).

۲-۴-۴- ویژگی‌های ممتاز ذاتی و روحانی امام

۲۲. سرآمدی در حکمت (أَحْكُمُ النَّاسِ)

۲۳. هوشیاری همیشگی قلب (لَا يَنَامُ قَلْبُهُ)

۲۴. بهره‌مندی از الهام الهی (يَكُونُ مُحَدَّثًا)

۲۵. سرآمدی در علم (أَعْلَمُ النَّاسِ)

۲۶. آگاهی به ظاهر و باطن تمامی امور (يَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ)

۲۷. توحیدگرایی از بدو ولادت (إِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلَى رَاحَتِيهِ رَافِعًا صَوْتَهُ بِالشَّهَادَةِ)

۲۸. استجابات دعا (يَكُونُ دَعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا حَتَّى لَوْ أَنَّهُ دَعَا عَلَى صَخْرَةٍ لَانْشَقَّتْ نِصْفَيْنِ).

در بیان ویژگی‌های ممتاز ذاتی و روحانی امام، چند نمونه دیگر از روایات رضوی درباره سه ویژگی «علم»، «کرامت» و «عصمت» امام ارائه می‌شود. شایان ذکر است که امام رضا^(ع) از یک سو، علم و کرامت را دو راه اساسی شناخت امام معرفی فرمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۴) و از سوی دیگر، عصمت امامان را که بر مبنای آگاهی ایشان به ظاهر و باطن تمامی امور است موجب اتمام حجت الهی با مردم برای تبعیت محض از ایشان دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰۳).

۱- علم امام: بدون شک علم امام از مواهبی است که در هدایت هستی تأثیر فراوانی دارد. امام رضا^(ع) در روایتی به افاضی بودن علم امام و گسترده‌گی آن

اشاره فرموده‌اند:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لَأُمُورَ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لَذَلِكَ وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ وَأَطْلَقَ عَلَى لِسَانِهِ فَلَمْ يَعِيَ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَلَمْ تَجِدْ فِيهِ غَيْرَ صَوَابٍ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۱) «هرگاه خداوند، بنده‌ای را برای اداره امور بندگان برگزیند، به او شرح صدر عنایت می‌فرماید و در قلبش چشمه‌های جوشان حکمت قرار می‌دهد و علم را کاملاً به او الهام می‌فرماید و بعد از آن از هیچ پاسخی در نمی‌ماند و از رفتار و گفتار صحیح، منحرف نمی‌شود.»

امام رضا^(ع) ضمن آن که علم امام را ارثی از جانب پیامبر^(ص) و از جانب خداوند دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۴)، به برتری مطلق علم امامان نیز اشاره فرموده‌اند:

«إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأئِمَّةَ يَوْفَقُهُمُ اللَّهُ وَيُؤْتِيهِمْ مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِهِ وَحِكْمِهِ مَا لَا يُؤْتِيهِ غَيْرُهُمْ فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰۲) «خداوند پیامبران و امامان را توفیق می‌دهد و از مخزن لایزال علم و حکمت خود علوم می‌دهد به آنان می‌دهد که به دیگران نداده، لذا علم آنان از تمامی علوم معاصران خود، برتر و بالاتر است.»

از منظر شیعه، علم غیب اهل بیت علم ذاتی به غیب نیست کما این که علم اکتسابی از جهان خلقت نیز نیست؛ بلکه علم لدنی است که پیامبر^(ص) از خدا آموخت و مأمور بود تا به جانشینانش بیاموزد. از این رو با رحلت پیامبر^(ص) وحی منقطع شد اما ارتباط جانشینان آن حضرت از طریق «الهام به قلب» و «تحدیث ملائکه» با عالم بالا همچنان ادامه یافت (نیل ساز و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۷).

۲- کرامت: آن حضرت، کراماتی را که از امامان ظاهر می‌شود نافی وابستگی

ایشان به خداوند متعال نمی‌داند و هرگونه استقلال ایشان از ذات خداوند را نفی کرده است:

«لَمَّا ظَهَرَ مِنْهُ الْفَقْرُ وَالْفَاقَةُ دَلَّ عَلَى أَنَّ مِنْ هَذِهِ صِفَاتُهُ وَ شَارَكَهُ فِيهَا الضُّعْفَاءُ الْمُحْتَاجُونَ لَا تَكُونُ الْمُعْجَزَاتُ فَعَلَهُ فَعَلِمَ بِهَذَا أَنَّ الَّذِي ظَهَرَ مِنْهُ مِنَ الْمُعْجَزَاتِ إِنَّمَا كَانَتْ فِعْلُ الْقَادِرِ الَّذِي لَا يَشْبَهُ الْمَخْلُوقِينَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۴۳۹) «آشکار بودن احتیاج و نیازمندی امام [به خداوند] دلالت بر آن دارد که اگر از چنین شخصیت نیازمندی، معجزاتی [کراماتی] سرزد، این کار او نیست بلکه معجزاتی که از او سر می‌زند کار [خداوند] توانایی است که هیچ یک از مخلوقات به وی شباهتی ندارند.»

۳- عصمت امام: بر اساس علم و آگاهی به ظاهر و باطن تمامی امور که خداوند برای هدایت مردم در اهل بیت به ودیعه نهاده است، ایشان از آثار سوء گناه و اشتباه آگاه شده و مرتکب آن‌ها نمی‌شوند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۴۷۶). حضرت بن‌مایه آموزه امامت را عصمت امام از گناه و اشتباه (مُطَهَّرٌ مِنَ الذُّنُوبِ) و فقدان هرگونه نقص (مُبْرَأٌ مِنَ الْعُيُوبِ) دانسته‌اند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۹). بدیهی است که اگر فردی دچار گناه یا حتی خطا و اشتباه شود، نمی‌تواند اعتماد امت اسلامی را به منظور تبعیت مطلق (النساء، ۵۹) در مسیر هدایت الهی جلب کند. امام رضا^(ع) عصمت را یکی از مواهبی دانسته که خداوند به شخص امام اعطا می‌کند و علت آن را نیز اتمام حجت بر بندگان می‌داند:

«فَهُوَ مُعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعَثَارِ يُخْصُهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۰۳) «او (امام) معصوم و مورد تأیید و توفیق یافته و استوار است. از خطا، لغزش

و سقوط در امان است، خداوند فقط او را این گونه قرار داده است تا حجت خدا بر بندگانش و گواه او بر خلقش باشد.»

۲-۵- معرفت به امام

از یک سو امام رضا^(ع) ذیل آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ» (فاطر، ۳۲) به معرفت به امام تأکید دارد:

«وَالسَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامُ وَالْمُقْتَصِدُ الْعَارِفُ بِالْإِمَامِ وَالظَّالِمُ لِنَفْسِهِ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۱۵) «منظور از «سابق بالخیرات» امام است، منظور از «مقتصد» کسی است که درباره امام معرفت و آگاهی دارد و منظور از «ظالم لنفسه» کسی است که امام خویش را نشناخته است.»

و از سوی دیگر، تشخیص امامت و مصداق امام را برای بشر به تنهایی و بدون هدایت الهی غیر قابل دسترسی می‌داند:

«فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ وَيُمْكِنُهُ اخْتِيَارُهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ ضَلَّتْ الْعُقُولُ وَ تَاهَتْ الْحُلُومُ وَ حَارَتْ الْأَلْبَابُ وَ حَسِرَتِ الْعُيُونُ وَ تَصَاغَرَتِ الْعُظْمَاءُ وَ تَحِيرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصُرَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْبَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأَدْبَاءُ وَ عَيِيَتِ الْبُلَغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ فَأَقْرَّتْ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۱۹) «پس کیست که بتواند امام را بشناسد یا او را انتخاب کند؟! نه، هرگز، هرگز، در وصف شأنی از شئون او و فضیلتی از فضایل او عقول به گمراهی افتاده و حیران و سرگردان مانده است، و دیدگان در مانده و ناتوان گشته و بزرگان، احساس کوچکی می‌نمایند، حکماء حیرانند، عقل عقلا کوتاه است، خطبا از خطابه باز مانده‌اند و عقلا و دانایان از

درکش عاجز شده‌اند، و شعرا از شعر گفتن، ناتوان گشته‌اند و ادبا عاجز گردیده‌اند و بلیغان خسته و ناتوان شده‌اند و همگی به عجز و ناتوانی (خود) معترفند.»

بهترین راه شناخت و کسب معرفت صحیح درباره امام، استفاده از بیانات اهل بیت در معرفی جایگاه و صفات امام است که می‌توان به حدیث معروف امامت که توسط امام رضا (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۹۸) و دعای جامع کبیره که توسط امام هادی (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۰۹) بیان شده است، به عنوان جامع‌ترین اسناد امام‌شناسی اشاره کرد.

در سیره امام رضا^(ع) علاوه بر تأکید بر ویژگی‌های امام، بر شناخت مصداق امام بر اساس نص الهی و آیات و کرامات نیز تأکید فراوان شده است تا بدین شکل به شبهات برخی از گروه‌های انحرافی نیز پاسخ داده باشند که این امر در حدیث مشهور سلسله الذهب نمود بارزی دارد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۳۵). علاوه بر آن به یک نمونه دیگر نیز اشاره می‌شود: محمد بن العلاء جرجانی واقعه‌ای را نقل کرده که بر اساس آن، وی در هنگام طواف کعبه با امام رضا^(ع) روبرو می‌شود و از ایشان صحت حدیث نبوی («مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۷۶)) را جويا می‌شود که حضرت بر حدیث مذکور تأکید می‌ورزد. سپس جرجانی از حضرت سوال می‌کند که امام زمان ما کیست؟ و حضرت پاسخ می‌دهد که من هستم، جرجانی دلیلی بر صحت مدعی حضرت می‌طلبد که امام وی را به خانه‌اش دعوت می‌کند. جرجانی پس از ورود به خانه حضرت با ایشان و امام جواد^(ع) که در آن زمان نوزاد بودند، می‌شود که امام جواد^(ع) به صراحت بر امامت پدر خویش تأکید می‌ورزند. این واقعه موجب شد تا جرجانی یقین بیاورد و ایمان مستحکمی به دست آورد (طوسی، ۱۴۱۹ق: ۴۹۶).

۲-۶- محبت به امام

پس از شناخت امام باید به ایشان محبت داشت و این امر به عنوان یک انگیزه پایدار، انجام فرامین الهی و دوری از نواهی الهی را سهولت می‌بخشد. امام رضا^(ع) به نقل از پیامبر اکرم^(ص) یکی از چهار سوال برجسته قیامت را درباره محبت اهل بیت دانسته‌اند (شعیری، بی تا: ۱۷۵). همچنین ایشان در حدیثی به نقل از امام صادق^(ع)، مصداق تام نعمت مورد سوال در آیه شریفه «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (التکاثر، ۸) را محبت اهل بیت و پیروی از ایشان دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۲۹).

آن حضرت در ذیل آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (الشوری، ۲۳) ماجرای را ذکر فرموده‌اند که در آن رسول خدا، اجر رسالت خود را به جای مواهب مادی، فقط محبت به اهل بیت خود قرار داد و در ادامه این حدیث، امام رضا^(ع) تأکید می‌فرماید که اکثر مردم به این تکلیف الهی عمل نکرده و به این پیمان وفا نکرده‌اند. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۱-۴۳۲)

امام رضا^(ع) در حدیث دیگری به برجسته‌ترین فواید محبت اهل بیت اشاره فرموده‌اند:

«حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَكْفِرُ الذُّنُوبَ وَيَضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَتَحَمَّلُ عَنْ مُحِبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا عَلَيْهِ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا كَانَ مِنْهُمْ عَلَى إِضْرَارٍ وَظَلَمٍ لِلْمُؤْمِنِينَ فَيَقُولُ لِلْسَّيِّئَاتِ كُونِي حَسَنَاتٍ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۶۴) «محبت ما اهل بیت موجب پوشاندن گناهان و افزایش حسنات می‌گردد، همانا که خداوند، گناهان محبان ما اهل بیت به غیر از ستم و ضرری را که بر مؤمنان روا شده می‌بخشد و

تبدیل به حسنات می نماید.»

۲-۷- تبعیت از امام

بر اساس آموزه‌های قرآنی، تبعیت از امام واجب است (النساء، ۵۹). بدین رو، لازمه معرفت و محبت به امام، تبعیت از ایشان است؛ امام رضا^(ع) بر این نکته تأکید دارند که اکتفا کردن به محبت ایشان کار ساز نیست و اعمال هر فرد نیز در تعیین سرنوشت او مؤثر است:

«لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَالْاجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ اتِّكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (وَلَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ) وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ اتِّكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵: ۳۴۷) «مبادا اعمال نیک و اهتمام در عبادت الهی را به اتکای محبت به آل محمد رها کنید و مبادا دوستی آل محمد و تسلیم بودن نسبت به فرامین ایشان را به اتکای اعمال عبادی خود از دست بدهید زیرا هیچ کدام از این دو به تنهایی پذیرفته نمی شود.»

امام رضا^(ع) در حدیث دیگری بر لزوم تبعیت از امام تأکید فرموده‌اند: «النَّاسُ عَبِيدٌ لَنَا فِي الطَّاعَةِ مَوَالٍ لَنَا فِي الدِّينِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۸۷) «مردم (و اهل ایمان)، بندگان ما در طاعت الهی و پیروان ما در دین الهی هستند.» می‌توان برای تبیین حدیث مذکور بدین مثال استناد جست که اگر آهنی در مجاورت آتش مشاهده شود، بر اثر شدت احتراق و نور آتش، آهن نیز مانند و به رنگ آتش تصور خواهد شد. بدین قرار، اطاعت از امامان که نفس ایشان به نور الهی (جهت هدایت انسان‌ها) روشن شده (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۶: ۲۱) و به پاک بودن ایشان از هر گونه ناپاکی تأکید شده است (الاحزاب، ۳۳) به اطاعت

واکاوی ارکان و شاخص‌های آموزه امامت در روایات رضوی ❖ ۲۰۳

از خداوند باز می‌گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۶۹). در واقع تبعیت از اهل بیت به اذن الهی است و به معنای پرستش و عبادت ایشان نخواهد بود و بر این اساس، مردم می‌بایست یاری رساننده و تابع محض اهل بیت (باشند تا به سبب این متابعت، از آتش جهنم رهایی یابند) (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۳۲). حدیث مذکور که دلالت بر تبعیت محض از اهل بیت (دارد، مبتنی بر آن است که امام بر اساس موهبت و علم الهی که خداوند به بندگان برگزیده خود اختصاص داده، دارای عصمت است و این موضوع، تبعیت از او در تمامی فرامین و نواهی را واجب می‌کند (دیاری بیدگلی، خانی مقدم، ۱۳۹۳: ۷۵).

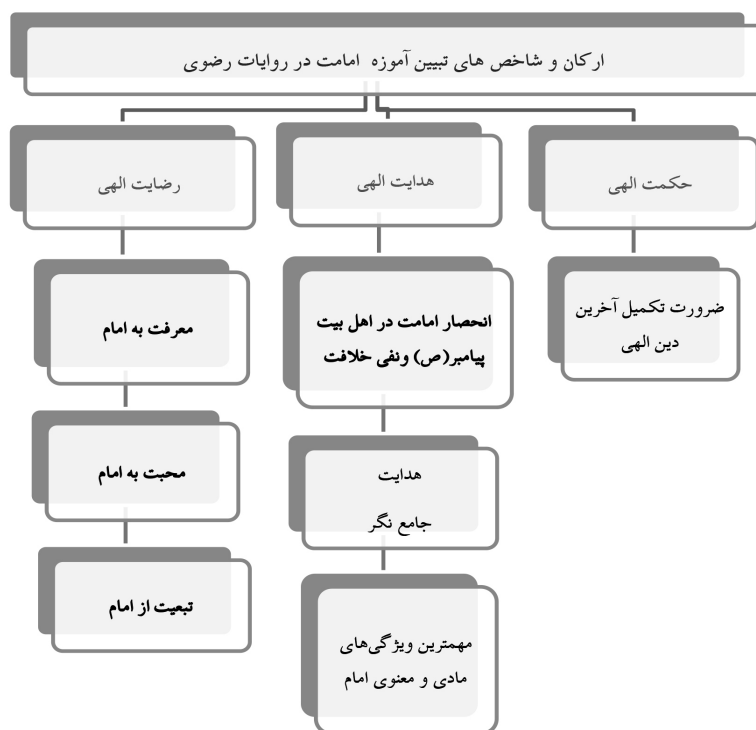
نتیجه‌گیری

برایند مباحث مطرح شده در این پژوهش را می‌توان در نکات زیر ارائه کرد: پژوهش حاضر بر مبنای روایات رضوی^(۴) درباره آموزه امامت، به مقتضای شبهاتی که راجع به چرایی و چیستی آموزه امامت و چگونگی اثربخشی آن مطرح می‌شود و متناظر با برجسته‌ترین دغدغه‌های فراروی انسان، نظامی شامل بر ارکان و شاخص‌های برجسته آموزه امامت ارائه کرده است تا در مقام تبیین آموزه مذکور، مؤلفه‌های مبنایی را در عین اختصار به دست دهد.

در نظام پیشنهادی، سه رکن حکمت، هدایت و رضایت الهی در نظر گرفته شده است؛ بدین معنا که بر اساس حکمت الهی، لازم است تا انسان‌ها با هدف خلقت و چگونگی دستیابی به آن آشنا شوند که فلسفه بعثت پیامبران و امامان در این راستاست. بدین رو جهان دارای یک نظام هدایت است که در آن، همواره واسطه و حجت الهی برای هدایت جهان هستی قرار دارد که این وظیفه خطیر،

پس از پیامبر اسلام (ص) بر عهده امامان (ع) قرار داده شده است. ملاک رضایت پایدار نیز تبعیت از اوامر و نواهی الهی است که شناخت، محبت و تبعیت محض از امام نیز در همان راستا بوده و موجبات رضایت الهی را فراهم می‌آورد.

می‌توان در رکن «حکمت الهی» به شاخص «ضرورت تکمیل آخرین دین الهی»، در رکن «هدایت الهی» به شاخص‌های «انحصار امامت در اهل بیت پیامبر و نفی خلافت»، «هدایت جامع نگر»، «مهم‌ترین ویژگی‌های مادی و معنوی امام» و در رکن «رضایت الهی» نیز به شاخص‌های «معرفت به امام»، «محبت به امام» و «تبعیت از امام» اشاره کرد.



فهرست منابع

- قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۴ ق). الاعتقادات. چاپ دوم، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- _____، (۱۳۷۸ ق). عيون أخبار الرضا(ع)، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- _____، (۱۳۹۵ ق). کمال الدین و تمام النعمه. تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- _____، (۱۳۹۸ ق). التوحید. تصحیح هاشم حسینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____، (۱۴۰۳ ق). معانی الأخبار. تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____، (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- آل یاسین، محمد حسن، (۱۴۱۳ ق). أصول الدین. قم: مؤسسه آل یاسین.

- امینی، عبدالحسین، (۱۳۹۷ ق). الغدير، بيروت: دارالكتاب العربی.
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، (۱۳۸۶). فرهنگ شیعه. چاپ دوم، قم: زمزم هدایت.
- پوررستمی، حامد، (۱۳۸۹). «تحلیل راهبردی از «امامت» در دکترین امام رضا(ع)». دوفصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۳: صص ۲۷-۵۴.
- حلبی، ابو الصلاح، (۱۴۰۴ ق). تقریب المعارف. قم: انتشارات الهادی.
- حلّی، حسن بن یوسف، (۱۳۶۳). أنوار الملكوت فی شرح الیاقوت، تحقیق محمد نجمی زنجانی، چاپ دوم، قم: الشریف الرضی.
- _____، (۱۴۱۳ ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- خرازی، سید محسن، (۱۴۱۷ ق). بدایه المعارف الإلهیه فی شرح عقائد الإمامیه، چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی، خانی مقدم، مهیار، (۱۳۹۳). «از خداانگاری اهل بیت تا خداباوری نظام‌مند»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۷۱: صص ۵۳-۸۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۹). «امامت عامه و خاصه در احادیث امام رضا(ع)». دوفصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۳: صص ۵۵-۸۶.

- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۸۶). امام شناسی و پاسخ به شبهات (امامت در حدیث). قم: مسجد مقدس جمکران.
- سبزواری، ملاهادی، (۱۳۸۳). أسرار الحكم. به تصحیح کریم فیضی، قم: مطبوعات دینی.
- سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شعیری، محمد بن محمد، (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریه.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳). شرح أصول الکافی، تصحیح محمد خواجه‌ای، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تصحیح محسن کوچه باغی، چاپ دوم، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۲). تلخیص الشافی، تحقیق حسین بحر العلوم، قم: انتشارات المحبین.
- _____، (۱۴۱۴ ق). الأمالی، تصحیح مؤسسه البعثة، قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن علی، (۱۴۱۹ ق). الثاقب فی المناقب، تصحیح نبیل رضا علوان، چاپ سوم، قم: انصاریان.

- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق). تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- علم الهدی، سید مرتضی، (۱۴۰۵ ق). رسائل الشریف المرتضی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: دار القرآن الکریم.
- _____، (۱۴۱۰ ق). الشافی فی الإمامه، تحقیق سید عبدالزهرء حسینی، تهران: مؤسسه الصادق.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ ق). کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱). قاموس قرآن. چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- قطبی، ثریا و دیگران، (۱۳۹۳). «تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های اعتقادی سبک زندگی اسلامی در آموزه‌های رضوی». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۶۰: صص ۴۳۵ - ۴۵۰.
- کاشفی، محمدرضا، شاکرین، حمیدرضا، (۱۳۹۲). پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی (امام شناسی). چاپ هشتم، قم: دفتر نشر معارف.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____، (۱۴۰۴ ق). مرآه العقول فی

- شرح أخبار آل الرسول. تصحیح هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محمدی، علی، (۱۳۷۸)، شرح کشف المراد. چاپ چهارم، قم: دارالفکر.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲). دایره المعارف قرآن کریم. قم: بوستان کتاب.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۶). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی. ترجمه حسین علی عربی و محمد مهدی نادری قمی، چاپ چهارم، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الجمل. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ ق). الغیبه. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- نیل ساز، نصرت و دیگران، (۱۳۹۲). «نقد شبهه تعارض آیات علم غیب در قرآن». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۱۳: صص ۳۱-۵۰.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، (بی‌تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.

